



## نسبت سنجی رابطه فقه و اخلاق با تأکید بر آموزه زکات در پرتو آیات و روایات

معصومه السادات حسینی میرصفی

استادیار گروه الهیات، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

[mirsafi@azad.ac.ir](mailto:mirsafi@azad.ac.ir)

### چکیده

دین اسلام با دارا بودن آموزه‌هایی در حوزه عقاید، فقه و اخلاق، رشد و سعادت انسان را رقم زده است. سازگاری میان این آموزه‌ها سبب فراهم نمودن زمینه‌ای برای تربیت انسان شده است. بنابراین در پیوند میان اخلاق و فقه، زمینه مناسبی برای اجرای تکالیف فقهی با زیربنای اخلاقی برای مسلمانان فراهم می‌آید. در این مقاله نگارنده به هدف پاسخ به این سؤال است که «رابطه فقه و اخلاق با تأکید بر آموزه زکات چگونه است؟»، و با استفاده از آیات و روایات معصومین (علیهم‌السلام)، به تبیین این رابطه با محوریت زکات پرداخته است. یافته‌های این تحقیق در دو سطح مبانی و فضیلت‌های اخلاقی آموزه زکات بیان شده است. این پژوهش از نظر هدف، پژوهش کاربردی و از نظر جمع‌آوری داده‌ها، یک پژوهش کیفی مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است. از نظر روش پژوهش نیز توصیفی، تحلیلی می‌باشد.

واژگان کلیدی: نسبت سنجی، رابطه، فقه، اخلاق، زکات

## مقدمه

دین مبین اسلام، با توجه به ماهیت برنامه‌های تربیتی و اخلاقی که دارد، با ساختار وجودی انسان متناسب بوده و از آن جایی که انسان دارای ساحت فردی و اجتماعی است و تربیت فردی نیز می‌تواند در قالب اجتماع محقق گردد، لذا دین اسلام به عنوان دینی اجتماعی تربیت اخلاقی انسان را نیز مد نظر دارد. انسان موجودی مختار است و همچنین «اخلاق که با چگونگی رفتار و حالت‌های اختیاری انسان سروکار دارد، همواره جاذبه ویژه‌ای برای او داشته است و آدمی به دیده احترام در آن نگریسته است؛ و نهاد اخلاقی زندگی انسان، اساس و پایه تشکیل اجتماع و ظهور تمدن‌های بشری است» (جوادی، ۱۳۷۶: ۵۶)

همچنین اسلام دینی اجتماعی نیز هست و در بیان علامه طباطبایی بر این نکته تاکید شده است که: «اسلام تمامی شئون اجتماع است... و صفت اجتماعی بودن در تمامی آنچه که ممکن است به صفت اجتماع صورت بگیرد (چه در نوامیس و چه احکام) رعایت شده» است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲/۱۲۶)

از آنجایی که دین اسلام، با بعثت رسول گرامی‌اش (ص)، تصویر کاملی از اخلاق را ارائه نموده است؛ بنابراین حضور پررنگ اخلاق در آموزه‌های فقهی و اعتقادی، نیز به چشم می‌خورد. اخلاق، همانند نوری امیدبخش، به زندگی مکلفین معنا می‌بخشد؛ و شرایط بروز و ظهور بسیاری از فضایل و رذایل اخلاقی در بستر اعمال و تکالیف و مسائل فقهی و نیز در ارتباط با زندگی اجتماعی افراد شکل می‌گیرد و اخلاق نیز بر عمل به آموزه‌های فقهی تأثیر می‌گذارد.

بنابراین، توجه به بعد اخلاقی آموزه‌های فقهی، یکی از راه کارهای عمل مکلفین به بعد فقه است. علیرغم تمام تلاش‌های پژوهشی که در زمینه فقه و مسائل پیرامون آن صورت گرفته است، پیوند میان فقه و اخلاق به واکاوی بیشتری نیاز دارد؛ از این نظر که آموزه‌های فقهی، دارای ابعاد اخلاقی است این مقاله در صدد بیان مفاهیم اخلاقی آموزه‌های فقهی است و از آنجایی که زکات، به عنوان یکی از آموزه‌های فقهی مهم به شمار می‌رود؛ این نسبت سنجی از این طریق صورت می‌پذیرد.

## مفاهیم

برخی از مفاهیم این مقاله به شرح زیر می‌باشد.

## زکات

زکات در لغت به معنای رشد و نمو و پاکیزگی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۶۵) و در اصطلاح شرعی اندازه مخصوصی از برخی از اموال است که با شرایط خاص خارج شده و به مستحقین آن پرداخت می‌شود. (انصاری، ۱۴۱۵ ق: ۳) زکات از ضروریات دین است. (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ ق: ۳۱۱/۱) و قرآن کریم نیز بر وجوب آن اشاره دارد. (التوبه، ۱۰۳) زکات، نوعی مالیات در حوزه فقه اسلامی است. زکات واجب به انعام ثلاثه شامل: گاو، گوسفند و شتر؛ غلات اربع شامل: گندم، جو، خرما و کشمش و نقدین شامل: طلا و نقره تعلق می‌گیرد؛ و بر مال التجاره و دیگر محصولات کشاورزی پرداخت زکات مستحب است. (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۲/۴) در «زکات»، رسیدن به حد نصاب و شرایط خاصی در زکات دهنده و پرداخت آن همواره مورد توجه فقها بوده است. (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ ق: ۱/۳۴۰-۳۱۲)

## اخلاق

از اخلاق متناسب با اهداف، در منابع، تعاریفی موجود است. یکی از آن‌ها به شرح زیر است.

علم است به آنکه که نفس انسانی را چگونه خلقی اکتساب توان کرد که جملگی افعالی که به ارادت او از او صادر شود، جمیل و محمود بود. (طوسی، ۱۳۵۶ ش: ۴۸)

بنابراین از نظر ایشان علم اخلاق مبین صفت‌هایی است که انسان باید در خود ایجاد کند تا رفتارهای ارادی حاصل از این صفات نیک باشد. و لذا اجرای تکلیف فقهی مستلزم وجود صفات حمیده در انسان است و به طور نمونه با بررسی آیات و روایات پیرامون زکات در صدد هستیم که نشانه‌های زیست اخلاقی را در قبل، حین و انتهای تکالیف فقهی بیابیم.

## نسبت سنجی رابطه اخلاق و فقه

برخی از محققین معتقدند که میان فقه و اخلاق اشتراکی وجود ندارد؛ فقه و اخلاق دو امر متباین هستند؛ و برخی دیگر نیز بر این باورند که میان فقه و اخلاق ارتباط و پیوند وجود دارد.

بنابراین بسندگی به عمل به ظاهر دین و غفلت از باطن آن و جدایی میان احکام فقهی و معارف اخلاقی، می‌تواند دستیابی به مصالح شریعت را دچار خلل نماید. چنان که خداوند متعال در بیان آیات فقهی، توجهات اخلاقی را نیز لحاظ نموده‌اند؛ و این را می‌توان یک اماره از وابستگی این دو به هم در نظر گرفت. به طور نمونه در مسأله فقهی طلاق، ملاحظات اخلاقی به صورت آشکارا دیده می‌شود.

الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمَّ سَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. (البقره، ۲۲۹)

طلاق، (طلاق که رجوع و بازگشت دارد) دو مرتبه است؛ (و در هر مرتبه) باید به طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند (و آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها سازد (و از او جدا شود). و برای شما حلال نیست که چیزی از آنچه به آنها داده‌اید، پس بگیرید؛ مگر اینکه دو همسر، بترسند که حدود الهی را برپا ندارند. اگر بترسید که حدود الهی را رعایت نکنند، مانعی برای آنها نیست که زن، فدیة و عوضی بپردازد (و طلاق بگیرد). اینها حدود و مرزهای الهی است؛ از آن، تجاوز نکنید! و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است.

علامه طباطبایی این آیه را دلیلی بر ارتباط میان احکام فقهی و اخلاق می‌داند و در تفسیر آن می‌نویسد:

می‌توان گفت که آیه، اشعاری هم به این معنا دارد که صرف عمل به احکام فقهی، و جمود به خرج دادن بر ظواهر دین کافی نیست، برای اینکه احکام فقهی دین مانند اسکلت ساختمان است، اسکلتی که به هیچ وجه زندگی در آن قابل تحمل نیست، و احکام اخلاقی به منزله سفید کاری و سیم کشی و دکوربندی آن ساختمان است، مثلاً احکام فقهی و قانونی زناشویی، احکامی است خشن، که نه شوهر حق دارد به زن خود فرمانی دهد و نه زن حق دارد بدون اذن او از خانه در آید، ولی همین قوانین فقهی وقتی با احکام اخلاقی که اسلام در باب زناشویی داده توأم شد، آن وقت قانونی بسیار گوارا و قابل

عمل می‌شود و نیز احکام فقهی راجع به عبادت و دعا و ذکر، اسکلتی است که مجرد آن انسان را به فرض دین که همان سعادت بشریت است نمی‌رساند، ولی وقتی این جسد توأم با روح و معنای عبادت شد که همان ورزیدگی و تزلزل‌ناپذیری روح است، آن وقت قوانینی خواهد شد که بشریت بی‌نیاز از آن نخواهد بود و هیچ قانونی جایگزین آن نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲/ ۲۳۵)

بنابراین نظر مختار با توجه به بررسی آیات و روایات معصومین (علیهم‌السلام) در حوزه زکات و استخراج مبانی و فضیلت‌های اخلاقی آن، دیدگاه وابستگی اخلاق و فقه، در این مقاله می‌باشد؛ و در این راستا به بیان مبانی و فضیلت‌های اخلاقی فقه با تاکید بر آموزه اجتماعی زکات می‌پردازیم.

### مبانی اخلاقی آموزه فقهی زکات

واژه «مبنا» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۵۰۶؛ دهخدا، ۱۳۷۳ش: ۱۲/ ۱۷۷۴۱؛ حق شناس و همکاران، ۱۳۸۴ش: ۱/ ۶۳۷) که در زبان فارسی و عربی متداول است، از ریشه «ب، ن، ی»، به مفهوم «پایه، زیر ساخت، بنیاد، شالوده و اصول بنیادی» آمده است. برخی از مبانی پرداخت زکات ناظر به مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی به شرح زیر است.

### سلسله مراتبی بودن هستی

یکی از مبانی هستی‌شناسی این است که هستی در نگاه قرآن، دو بعدی و مشتمل بر دنیا و آخرت است؛ همان‌گونه که در آیه شریفه می‌فرماید:

وَإِنْ كُلُّ ذَلِكُمْ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ. (الزخرف،

۳۵)

ولی تمام اینها بجهت زندگی دنیا است، و آخرت نزد پروردگارت از آن

پرهیزگاران است!

بنابراین توجه به این مبانی اخلاقی در پذیرش و توجه به آموزه زکات بسیار مهم است. زکات، دوراندیشی خداوند برای احقاق عدالت و سامان امور اقشار آسیب‌پذیر و بقاء

جامعه اسلامی برای حاکمیت توحید در پهنه گیتی می‌باشد. همان‌گونه که پیامبر خدا (ص) در یک امر فقهی می‌فرماید که: «ای مردم! زکات اموال خود را بپردازید»؛ (صابری یزدی و همکاران، ۱۳۷۵ش: ۳۱۵) مسلمانان با توجه به این مبنای اخلاقی که دنیا و آخرت سازنده سعادت او هستند با اعتقاد راسخ اقدام به عمل به یک فریضه فقهی می‌نمایند. او به پاسداشت مقام کرامت انسان، و برای اعتلا بخشیدن به مقام اخلاق و به یمن اصل انصاف، از حال مسکینان به نام بلند و رسای زکات، دستگیری می‌کند تا از آنها برای زمان عنقریبی که پیش رو دارد، دستگیری شود. امام صادق (ع) می‌فرماید:

هر کس زکات خود را ندهد، هنگام مرگ آرزوی بازگشت به دنیا

می‌کند، (صدوق، ۱۴۰۶ق: ۲۳۵) و این است معنای سخن خداوند: حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ. (المؤمنون، ۱۰۰-۹۹) یعنی تا آن گاه که مرگ یکیشان فرا رسد، می‌گوید: پروردگارا، مرا باز گردانید، شاید من در آنچه بر جای نهاده‌ام کاری شایسته کنم.

## واقع‌گرایی اخلاقی

یکی از مبناهای اخلاقی که در عمل به فرائض فقهی موثر می‌باشد، واقع‌گرایی اخلاقی است. در تعریف واقع‌گرایی آمده است که: «واقع‌گرایی در اخلاق به این معناست که ارزش و لزوم اخلاقی واقعیت عینی دارند و جملات اخلاقی واقع‌نما هستند یعنی صرف نظر از دستور و توصیه، احساس و سلیقه و توافق و قرارداد از واقعیت عینی سخن می‌گویند». (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ش: ۳۱-۳۰) بر همین اساس می‌توان گفت قضایا و مسائل اخلاقی در حوزه آموزه‌های فقهی، مانند زکات، واقع‌نما و ناظر به ملاک‌های عینی و نفس‌الامری هستند.

بنابراین، این قضایا، فقط به منظور بیان اموری نظیر امیال، نگرش‌ها، باورها و قراردادها نیست؛ بلکه متکی به پشتوانه اخلاق مطلق است. با بررسی برخی از آیات و روایات در مورد آموزه زکات، واقع‌نمایی اخلاقی قابل احصاء است؛ و در حقیقت مبرهن است که میان افعال انسان و نتایج مترتب بر آن فعل، روابطی عینی و واقعی به پشتوانه روابط تکوینی و مصالح حقیقی برقرار است.

امام صادق(ع) درباره تبعات منفی، عدم پرداخت زکات می‌فرماید:

إِنَّ الشَّيْعَةَ ... و لو أجمعوا على ترك الزَّكَاةِ لهلكوا؛ (حكیمی و همکاران، ۱۳۸۰ش: ۱/۴۴۶)

اگر شیعیان .... همگی زکات را ترک کنند هلاک خواهند شد.

و این‌گونه است که اگر مالی نتواند موجبات دفع تهدیدات بیرونی و درونی را فراهم بیاورد و ابزاری برای رسیدن به اهداف عالی‌ه اسلام و حیات طیبه نگردد، مالی بد ارزیابی می‌گردد. همان‌گونه که امام علی(ع) در این باره می‌فرماید:

شَرَّ الْمَالِ مَا لَمْ يَنْفَقْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مِنْهُ، و لم تؤدَّ زكاته؛ (همان، ۷۰۱/۵)

بدترین مال آن است که در راه خدا انفاقی از آن صورت نگرفته باشد، و زکات آن خارج نشده باشد.

بنابراین مسلمانان با توجه به این مبنای اخلاقی نسبت به اثرات مترتب بر انجام یا ترک فعل آموزه‌های فقهی، آگاهی می‌یابند و از این طریق مسیر سعادت خود را رقم می‌زنند. پیامبر خدا (ص) فرمود:

مانع الزَّكَاةِ فِي النَّارِ؛ (صابری یزدی و همکاران، ۱۳۷۵ش: ۳۲۰)

کسی که زکات نمی‌دهد در آتش است.

### تأثیرگذاری عمل انسان در هستی

یکی از مبانی اخلاقی که در عمل به آموزه‌های فقهی موثر است این است که انسان به دلیل اختیار، عملش در محاسبات هستی مؤثر در نظر گرفته می‌شود. از آن جایی که انجام اعمال، دارای آثار فردی و اجتماعی است، به عنوان یک مبنا مورد توجه قرار گرفته است. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. (الأعراف، ۹۶)

و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات

آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب نمودند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات نمودیم.

این آیه «دلالت دارد بر اینکه افتتاح ابواب برکت‌ها مسبب از ایمان و تقوای جمعیت‌ها است، نه ایمان یک نفر و دو نفر از آنها، چون کفر و فسق جمعیت، با ایمان و تقوای چند نفر، باز کار خود را می‌کند». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۸ / ۲۰۱)

بنابراین یکی از راههای حراست بندگان از اثرات وضعی گناهان، توجه و عامل بودن همگان به ارکان مطرح شده در دین مبین اسلام است؛ که در صورت بی- رغبتی هر یک از افراد مکلف در جامعه اسلامی به انجام کارهای نیک ابرهای تیره ناشی از ترک و بی‌توجهی بر آن جامعه سایه خواهد افکند؛ و در چنین حالتی افراد کاهل به دلیل عدم اجرای فرامین در برابر تکوین به دلیل اثر وضعی ترک فضایل، نیز دارای مسئولیت اخلاقی خواهند بود. پیامبر اکرم (ص) در مورد عدم مسئولیت‌پذیری در پرداخت زکات و اثر آن بر تکوین فرمودند:

وَ مَا مَنَعَ قَوْمٌ زَكَاةَ إِلَّا خُبِسَ الْفَطْرُ؛ (دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۱ / ۷۱)

اگر زکات ندهند، باران کم می‌بارد.

و همچنین امام رضا (ع) در این باره فرمود:

وَ إِذَا خُبِسَتِ الزَّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي؛ (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۱۱)

چون زکات داده نشود چهار پایان می‌میرند.

بنابراین در صورتی که مسلمانان به این مبنای اخلاقی توجه داشته باشند که عمل آنها در هستی تاثیر گذار است بنابراین عمل به آموزه های فقهی را آگاهانه تر انجام می دهند . بنابراین با استناد به آیات و روایات حوزه زکات، مبرهن است که زکات یکی از آن دسته از فرامینی است که اگر ترک گردد، اثر وضعی آن در هستی به خوبی مشهود است؛ به گونه ای که از این ترک فعل، کل جامعه اسلامی متضرر خواهد شد.



## فضیلت های اخلاقی آموزه فقهی زکات

قابل ذکر است که اگر این مبانی اخلاقی در زندگی مسلمانان نقش آفرینی نماید و بنای اعتقادی آنها را بسازد عمل به تکالیف فقهی آسان تر خواهد بود و اگر مکلفین به تکالیف فقهی خود عمل نمایند فضیلت های اخلاقی در جامعه بروز بیشتری خواهد داشت. و این تاثیری که اخلاق بر فقه دارد، فقه نیز بر اخلاق و رشد فضائل خواهد داشت. لذا با بررسی آیات و روایات معصومین (علیهم السّلام) در مورد آموزه زکات، علاوه بر جنبه فقهی، مفاهیم اخلاقی نیز، قابل احصاء هستند که در این قسمت، این واکاوی صورت می پذیرد، تا رابطه فقه و اخلاق نشان داده شود.

## عدالت

جامعه صالح، جامعه ای است که بر اساس عدالت، بنا شود و یکی از پایه های آن، عدالت اقتصادی است. یکی از روش های برقراری این عدالت، پرداخت زکات و مصرف آن برای مستحقین زکات است. رسول خدا (ص) می فرماید:

أَنَّ اللَّهَ قَدْ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةَ تَتَّخِذُ مِنْ أَغْنِيائِهِمْ فَتَرِدُ عَلَىٰ فُقَرَائِهِمْ؛ (خرمشاهی و همکاران، ۱۳۷۶ش: ۵۳۰)

خداوند زکات را نیز بر آنان واجب کرده است که از ثروتمندان نشان گرفته و به بینوایان نشان داده می شود.

هنگامی که توزیع درآمدها عادلانه باشد، فقر مطلق کاهش پیدا می کند و همه افراد جامعه می توانند به حداقل نیازهای اساسی دسترسی پیدا کنند. بنابراین فرد غنی در این برنامه تربیتی به عنوان عضوی مؤثر در شکوفایی اقتصادی و اجتماعی ایفای نقش نموده و دیگر ثروت در دست او به عنوان ذخیره راکد، باقی نمی ماند. بنابراین زکات فقط یک آموزه فقهی صرف نیست بلکه با عمل به آن می توان عدالت را که یک فضیلت اخلاقی است، محقق نمود.

## تقویت تعلق به ساختار ولایی

یکی از عوامل بروز اختلاف‌ها و صدمه‌رسان به فضای وحدت بخش جامعه اسلامی، مشکلات مالی درون جامعه اسلامی است. یکی از اجزای سبک زندگی اسلامی، عمل بر اساس احساس تعلق خاطر و ارتباط مناسب با اعضای جامعه اسلامی و آگاهی از اوضاع اقتصادی و کمک به آنان بر اساس انسان‌دوستی و تکلیف است. امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید:

لَا يَجِلُّ أَنْ تُدْفَعَ الزَّكَاةُ إِلَّا إِلَى أَهْلِ الْوَلَايَةِ وَ الْمَعْرِفَةِ؛ (مجلسی، چاپ مکرر: ۱۰/۲۲۴)

زکات را نمی‌توان پرداخت مگر به کسانی که اهل ولایت و معرفت باشند.

بنابراین پرداخت زکات در جامعه اسلامی با رویکرد شبکه‌سازی هدفمند میان انسان‌هایی با دیدگاه‌های اعتقادی مشترک، با تکیه بر دلبستگی ولایی‌اشان، سبب تقویت همبستگی بافت درونی جامعه در پرتو اتحاد می‌شود که این اتحاد و همبستگی فضیلت اخلاقی ارزشمندی است که در سایه سار فقه محقق می‌گردد.

### خدمت رسانی به مردم

خدمت رسانی به مردم یکی از فضائل اخلاقی است که باعث ایجاد فضای همدلی، در جامعه می‌شود. در کلام امام صادق(ع) آمده است که ایشان، می‌فرماید:

الْمُؤْمِنُونَ خَدَمَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ؛ فُؤُلْتُ كَيْفَ يَكُونُ خَدَمَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ؟ قَالَ نَفَقَتُهُمْ

بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ؛ (مجلسی، چاپ مکرر: ۷۱/۲۲۶)

مؤمن خدمتکار هم‌دیگرند، راوی گفت: من گفتم به یکدیگر چه خدمتی کنند؟ فرمود: هزینه یک دیگر را بدهند.

بنابراین پرداخت زکات، نوعی از کمک کردن به منظور برآوردن نیازهای مؤمنان؛ احسان به فقرا، اهتمام به امور مسلمانان، یاری رساندن به گرفتاران، ایجاد سرور در قلوب آنان و ... است. و از این روست که با پرداخت زکات جامعه متبلور از این فضیلت اخلاقی می‌گردد. امام رضا(ع) درباره فلسفه پرداخت زکات می‌فرمایند:

لأنَّ الله تبارك و تعالی كَلَّفَ أهل الصَّحَّةَ القیام بِشأن أهل الزَّمانَة و البلوی؛ (حكیمی و همكاران، ۱۳۸۰ش: ۲/۱۵۸)

... علَّت زكات ... آن است كه خداوند متعال، مردمان سالم را به رسیدگی به كارهای مردمان زمین گیر و گرفتاران مكلف ساخته است.

بنابراین پرداخت زكات علاوه بر یاری رسانی به فقرا، می تواند موجب تقویت بنیه های دینی جامعه گردد و به تبع آن، صلابت دین را به ارمغان آورد. امام رضا(ع) در بیان نتایج مترتب بر پرداخت زكات، به این فضیلت اخلاقی اشاره دارد و چنین می فرماید كه:

إِنَّ عِلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوَّةِ الْفُقَرَاءِ... وَالْمُعَوَّنَةِ هُمْ عَلَى أَمْرِ الدِّينِ؛ (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ ق: ۴/۲۶۶)

دلیل پرداخت زكات، قوت فقرا،... و كمك رسانی به آنان در امور دینی( آنها) است.

### دعوت به انجام خیرات

شكوفایی اقتصادی و اجتماعی، زمانی رخ می دهد كه ذخیره و احتكار ثروت از میان ثروتمندان جامعه اسلامی رخت بریندد و جای خود را به جریان سالم اقتصادی دهد و یکی از اموری كه می تواند این امر را محقق كند، پرداخت زكات می باشد. وقتی درآمد سرشار کسانی كه باید زكات بپردازند، در امور مهم صرف شود كل جامعه اسلامی از آن منتفع می گردد؛ در این صورت عدالت واقعی رخ می نماید. دعوت به پرداخت زكات در سیره امام صادق (ع) با این بیان شریف آمده است كه:

يَا مُفَضَّلُ قُلْ لِأَصْحَابِكَ يَضْعُونَ الزَّكَاةَ فِي أَهْلِهَا وَ إِنِّي ضَامِنٌ لِمَا ذَهَبَ هُمْ؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۵۱۴)

ای مفضل! به یاران بگو: زكات را به دست اهلس برسانند و من ضامن آن چیزی هستم كه از دست آنها رفته است.

بنابراین برای دستیابی به این مهم، دعوت به انجام این خیر، از لوازم ضروری می‌باشد که این فضیلت اخلاقی در سفارش مؤکد معصومین (علیهم‌السلام) آمده است و رابطه مندی فقه و اخلاق را مشهود می‌نماید.

### آسان‌گیری در انجام تکلیف

در مسأله زکات، خداوند متعال، به شرایط و احوالات مستحقین و پرداخت کنندگان، هر دو، توجه داشته است؛ و این خود روشی برای دلگرمی و جذب حداکثری فقرا و اغنیاء به دین؛ و تقویت بنیان همیاری اجتماعی است. از امام باقر(ع) روایت شده است، که فرمودند:

إِذَا أَخْرَجَ الرَّجُلُ الزَّكَاةَ مِنْ مَالِهِ ثُمَّ سَمَّاهَا لِقَوْمٍ فَضَاعَتْ أَوْ أُرْسِلَ بِهَا إِلَيْهِمْ فَضَاعَتْ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ؛ (صدوق، ۱۴۰۴ق: ۲/ ۳۰)

هر گاه شخص زکات را از مال خود خارج کند، و آنگاه آن را به نام قومی نامگذاری نماید، یا آنکه آن را برای ایشان بفرستد و تلف شود، غرامتی به او تعلق نمی‌گیرد.

از این روست که در صورت بروز هرگونه پیشامدی نظیر تلف مال، از پرداخت دوباره معاف و با قاعده اخلاقی آسان‌گیری بر مکلفین وظیفه‌ای برای جبران دوباره نیست.

همچنین دایره شمول این آسان‌گیری گسترده بوده و خداوند با شرایط خاصی رعایت حال صاحبان مال را می‌نماید. امام رضا (ع) می‌فرماید:

لَا زَكَاةَ عَلَى يَتِيمٍ؛ (کلینی، ۱۳۶۳ش: ۳/ ۲۰۵)

مال یتیم زکات ندارد.

بر همین اساس و با لطف اخلاقی، آن‌ها را از این پرداخت مالی، معاف نموده است. بنابراین ضمانت‌های اخلاقی در عمل به تکالیف فقهی و این فضیلت آسان‌گیری، اشتیاق به فقه را بیشتر می‌نماید.

## داروی رذایل اخلاقی

زکات، با دارا بودن آثاری که از آن جمله، رشد فضایل اخلاقی و دوری از گناهان است؛ در زندگی فردی و اجتماعی حائز اهمیت است. دوری از لغزش های اقتصادی، یکی از ویژگی های پرداخت کنندگان زکات است. به گونه ای که خبر از یک زیست مؤمنانه را می دهد. چنان که موسی بن جعفر (ع) فرمود:

مَنْ أَخْرَجَ زَكَاةَ مَالِهِ تَامًّا فَوَضَعَهَا فِي مَوْضِعِهَا لَمْ يُسْأَلْ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَ

مَالَهُ؛ (صدوق، ۱۴۰۶ق: ۴۶)

هر کس زکات مالش را درست خارج کند و آن را در مورد صحیحش به مصرف رساند یعنی به اهل و مستحق آن برساند از او سؤال نخواهد شد که از چه راه آن را به دست آورده (زیرا کسی که به زکات معتقد است و اهل آن را می شناسد هرگز حاضر نیست از راه غیر مشروع مالی بدست آورد).

در دین راههای مختلفی برای پاکی از گناهان، توصیه شده است؛ و یکی از آنها، پرداخت زکات است. زکات؛ پاکسازی جامعه از فساد اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی و... است. همان گونه که رسول خدا (ص) می فرماید:

وَ مَنْ أَدَّى الزَّكَاةَ مِنْ مَالِهِ طَهَّرَ مِنْ ذُنُوبِهِ؛ (مجلسی، چاپ مکرر: ۳۰۹/۷۱)

و هر که زکات مالش را بدهد از گناهانش پاک شود.

همچنین این مسأله به اندازه ای مهم است که خداوند در این آیات به پیامبر اکرم (ص) دستور می دهد که:

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا؛ (التوبه، ۱۰۳)

از اموال آنها صدقه ای (به عنوان زکات) بگیر، تا به وسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی!

در تفسیر این آیه به دو قسمت از فلسفه اخلاقی و روانی و اجتماعی زکات اشاره شده است که: «تو با این کار آنها را پاک می کنی و نمو می دهی» (تُطَهِّرُهُمْ وَ

تُرَكِّبُهُمْ بِهَا) آنها را از رذائل اخلاقی چون دنیا پرستی، بخل و امساک پاک می‌کنی، و نهال نوع دوستی، سخاوت و توجه به حقوق دیگران را در آنها پرورش می‌دهی. همچنین مفاسد و آلودگی‌هایی که به خاطر فقر و فاصله طبقاتی و محرومیت گروهی از جامعه به وجود می‌آید، با انجام این فریضه الهی برمی‌چینی، و صحنه اجتماع را از این آلودگی‌ها پاک می‌سازی؛ و نیز همبستگی اجتماعی، نمو و پیشرفت اقتصادی در سایه این گونه برنامه‌ها تأمین می‌گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ۸ / ۱۱۸-۱۱۷)

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند:

بریء من الشَّحِّ من أَدَى الزَّكَاةِ و قرى الضَّيْفِ و أعطى في النَّائِبَةِ؛ (پاینده، ۱۳۸۲ ش: ۳۷۲)

هر که زکات خود را بپردازد و مهمان به خانه ببرد و هنگام سختی بخشش کند از بخل بر کنار است.

و این گونه است که زکات، گناهی را پاک و زمینه پرورش فضیلت اخلاقی دیگری را فراهم می‌آورد و این گونه فقه به عنوان کمک رسانی فعال در کنار اخلاق می‌ایستد.

### اهتمام به امور مساکین

یکی از اصلی‌ترین علل تهدیدهای اجتماعی، توزیع ناعادلانه ثروت و امکانات و پیدایش طبقه فقیر و ثروتمند است. توجه به وضعیت معیشت فقرا و مساکین، یکی از وظایفی است که رسول خدا (ص) به آن اهتمام دارد و خود را مأمور به انجام آن، معرفی می‌کند و می‌فرماید:

أمرت أن آخذ الصدقة من اغنياءكم فأردّها في فقراءكم؛ (طباطبایی، ۱۳۷۸ ش: ۸۰ / ۱)

من مأمورم که زکات را از ثروتمندان بگیرم و به نیازمندان برسانم.

بنابراین چون آثار گوناگون فقر در جامعه اسلامی و ظهور یأس و ناامیدی، فقرزدایی را به عنوان یکی از اولویت‌های برنامه‌های اقتصادی جامعه اسلامی

نمایان می‌سازد، حاکم جامعه اسلامی برای انجام آن وظیفه ای خطیر دارد. از این روست که زکات، نویدی برای امید به زندگی برای فقرا و مساکین خواهد بود؛ تا حاکمیت سرمایه نتواند ارزش والای انسان را لگد کوب نماید.

### تبلور انصاف

اجرای برنامه مالی زکات، علاوه بر تعدیل ثروت، زمینه ساز پرورش اخلاقی مسلمانان برای دست‌یابی به مکارم اخلاقی می‌باشد. مفضل بن عمر گوید: در خدمت امام صادق (ع) بودم، شخصی از او پرسید که در چه اندازه از مال زکات واجب می‌گردد؟ حضرت به او فرمود:

الرَّكَاهُ الظَّاهِرَةُ أَمْ الْبَاطِنَةُ تُرِيدُ قَالَ أُرِيدُهُمَا جَمِيعاً فَقَالَ أَمَّا الظَّاهِرَةُ فَنَفِي كُلِّ أَلْفٍ خَمْسَةَ وَ عِشْرُونَ دِرْهَمًا وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَلَا تَسْتَأْذِرُ عَلَيَّ أَحْيَاكَ بِمَا هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْكَ مِنْكَ؛ (صدوق،

۱۴۰۳ق: ۱۵۳)

زکات ظاهری یا زکات باطنی، مقصودت کدام است؟ گفت: هر دو را می‌خواهم بدانم، فرمود: اما آشکار آن، پس به هر هزاری، بیست و پنج درهم تعلق می‌گیرد، و اما زکات باطنی، آن است که آنچه را برادرت به تو نیازمندتر است به خود اختصاص ندهی و خود را مقدم ندانی بلکه او را جلو بیندازی.

و این همان اخلاق انصاف است که مسلمان زکات دهنده، با ارائه بهترین خدمات مالی از نظر کمی و کیفی به اعضاء جامعه ایمانی اش، به مبارزه با خودخواهی می‌پردازد. همان‌گونه که تجلی انصاف در زکات را خداوند متعال این‌گونه سفارش نموده است که:

و ألحق بها ما هو منها زكاة القران من طيب المال؛ (عاملی و کاظمی خلخالی، ۱۳۸۰ش:

۶۵)

به خویشان فقیر و مسکینان از بهترین اموال زکات بده.

فرد زکات دهنده، با جوانه زدن محبت دیگران در درون وجودش، ریشه‌های نفرت‌انگیز رفتارهای سودگرایانه را با تهذیب نفس می‌خشکاند و با بذل بهترین

قسمت از اموال خود و احسان با برترین ذخایرش به عضوی مؤثر و خدوم برای جامعه‌اش بدل می‌گردد.

### حمایت در سایه عزت

زکات، به عنوان عاملی برای حمایت اجتماعی از افراد جامعه اسلامی و رفع احتیاجات فقرا و مساکین است. از این روست که این حمایت، باید به گونه‌ای پرداخت گردد که آثار سرشکستگی در دریافت کننده زکات، ایجاد نگردد.

رفتار پرداخت کننده زکات، باید به این صورت باشد که هر یک از مستحقین دریافت زکات، از اینکه دین اسلام، زکات را برای حمایت از آنها قرار داده، بر خود بیابند و احساس عزتمندی، بزرگی و کرامت داشته باشند. اسحاق بن عمّار می‌گوید: امام صادق(ع) به من فرمود:

چون وقت زکات مالت فرا رسد آن را چگونه می‌پردازم؟ گفتم: مستحقین آن خود به من مراجعه کرده به ایشان می‌پردازم، حضرت فرمود: ترا جز این نمی‌بینم که مؤمن را خوار ساخته‌ای زهار زهار که خدا می‌فرماید: کسی که دوست مرا خوار سازد با من به محاربه برخاسته است. (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۹۵)

امام محمد باقر(ع) در پاسخ به سوال کننده‌ای که درباره نحوه پرداخت زکات پرسشی داشت، ضمن توجه به حفظ کرامت انسانی فرمودند:

الرَّجُلُ مِنْ أَصْحَابِنَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الزَّكَاةِ فَأُعْطِيهِ مِنَ الزَّكَاةِ وَ لَا أُسْمِي لَهُ أَنَّهَا مِنَ الزَّكَاةِ فَقَالَ أَعْطِيهِ وَ لَا تُسَمِّ لَهُ وَ لَا تُدِلَّ الْمُؤْمِنُ؛ (صدوق، ۱۴۰۴ق: ۱۳/۲)

مردی از یاران ما شرم می‌کند که زکات بگیرد و من می‌خواهم زکات خود را به او بدهم، آیا لازم است به او بگویم که این زکات اموال است؟ حضرت در جواب فرمود: عملی که خدا بر تو واجب فرموده، انجام بده، ولی مؤمن را خوار مکن!

بنابراین پرداخت زکات و دریافت آن زمانی به ثمر می‌نشیند که اخلاق دست در دست فقه گذاشته تا ثروتمند متواضع، فقیر با آبرو را حمایتی عزت‌مندانه نماید.



## انفاق به مستحقین

دین مبین اسلام، همان طور که برای افراد حقوقی مقرر نموده، برای اجتماع نیز حقوقی مقرر داشته است. زکات، حقی است که جامعه اسلامی در جهت اعتلایش، نیازمند به این پشتوانه مالی است. توجه به نحوه مصرف زکات، یکی از اهم مسائل است. امام باقر(ع) بر رعایت و رساندن این حق به صاحبان حقوق مذکور می‌فرماید:

إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَحِلُّ لِمُحْتَرَفٍ، وَ لَا لِذِي مِرَّةٍ سَوِيٍّ قَوِيٍّ، فَتَنْزَهُوا عَنْهَا؛ (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق: ۱۰/۱۷۴)

صدقه (گرفتن زکات) بر صاحب حرفه حلال نیست، و نه بر شخص سالم نیرومند، پس از آن دوری جویند.

بنابراین اگر قرار بر پرداخت به همه اقشار جامعه باشد؛ اتفاقی که رخ می‌دهد، این است که زکات به سوی گروه‌های هدف و فقرا که صاحبان اصلی دریافت این حق هستند، تزیق نمی‌شود و از آن محروم می‌شوند و فشارهای تورمی ناشی از این توزیع ناصواب، گریبان جامعه را می‌گیرد.

همینطور امام صادق(ع) در رساندن زکات به اهلش می‌فرماید:

بَعَثَنِي إِنْسَانٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) زَعَمَ أَنَّهُ يَفْزَعُ فِي مَنَامِهِ مِنْ امْرَأَةٍ تَأْتِيهِ قَالَ فَصَحْتُ حَتَّى سَمِعَ الْجِيرَانَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع اذْهَبْ فَقُلْ إِنَّكَ لَا تُؤَدِّي الزَّكَاةَ قَالَ بَلَى وَ اللَّهُ إِنِّي لَأُؤَدِّيهَا فَقَالَ قُلْ لَهُ إِنَّ كُنْتَ تُؤَدِّيهَا لَا تُؤَدِّيهَا إِلَى أَهْلِهَا. (مجلسی، چاپ مکرر: ۱۵۸ / ۱۵۹)

فردی، مرا نزد امام ششم(ع) فرستاد تا در مورد خوابش جویند. او از زنی که به خوابش می‌آمد، می‌ترسید. (و این هراس به گونه‌ای بود که گوید: فریاد کشیدم و همسایه‌ها شنیدند. امام(ع) فرمود: برو بگو، تو زکات نپرداختی. گفت: چرا به خدا می‌پردازم. و حضرت فرمود: به او بگو اگر می‌پردازی، به اهلش نمی‌رسانی.

از این روست که یکی از مسئولیت‌های اخلاقی که در بحث فقهی زکات وجود دارد این است که پرداخت کنندگان زکات، مسئولیت اخلاقی دارند که این با نظارت، اطمینان حاصل کنند که انفاق به مستحقین صورت گیرد، تا کارشان ابتر نماند و این گونه است که فقه نیازمند اخلاق است.

### دعوت به نظم در انجام امور

مسئولیت حاکم اسلامی، در برطرف نمودن نیازهای مردم و نیز سامان بخشیدن به زندگی مستحقین دریافت زکات، مستلزم توجه مکلفین به این فریضه الهی و عمل به موقع به آن است. وصیت امیرالمؤمنین علی(ع) به فرزندش این گونه است:

و الزَّكَاةَ فِي أَهْلِهَا عِنْدَ مَحَلِّهَا؛ (مجلسی، چاپ مکرر: ۹۸/۷۵)

زکات را در موقعش به اهل آن پرداز.

بنابراین با این احساس مسئولانه، اضطراب از زندگی مسلمانان مرتفع؛ و مصالح جامعه اسلامی به خوبی تدبیر می‌گردد؛ و این وقت‌شناسی که خود فضیلتی اخلاقی است در عملی فقهی متبلور می‌شود و از این همراهی فقه و اخلاق جامعه انسانی بهره مند می‌گردد.

### همیاری آشنایان

کمیوهای اقتصادی می‌تواند، منشأ برخی از ناهنجاری‌های اجتماعی در یک جغرافیای خاص گردد. پرداخت زکات و مصرف آن در همان مکان که زکات دهندگان زندگی می‌کنند، به عنوان راهی برای فقرزدایی منطقه ای و کاهش معضلات اجتماعی به شمار می‌آید. امام صادق(ع) در خصوص سیره نبوی(ص) در تقسیم زکات به مستحقین دریافت آن، در همان منطقه فرمود:

كان رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقسم صدقة أهل البوادي في أهل البوادي و صدقة

أهل الحضر في أهل الحضر؛ (طباطبایی، ۱۳۷۸ش: ۸۰/۱)

رسول خدا(صلی الله علیه وآله) زکات دهات را در میان اهل ده، و زکات شهر را در بین اهل آن تقسیم می کرد.

با توجه به فراخوانی دین مبین اسلام به منظور همیاری و همکاری در سطح جامعه، افراد غنی و مؤمنان به پرداخت زکات، در جهت پاکسازی محیط اجتماعی خود اقدام به انجام این واجب الهی می نمایند و با مصرف آن در محل زندگی خود، از آثار مثبت آن برخوردار می شوند. بنابراین برای جلب مشارکت و تشویق مسلمانان، نشان دادن فواید و برکات اخلاقی حاصل از پرداخت زکات، بر سالم سازی اجتماع، مؤثر است؛ و توجه به مصرف درآمد حاصله از زکات، در همان منطقه محل جمع آوری زکات، امری اخلاقی است.

### کسب رضایت الهی

دین مبین اسلام برای برقراری نظام مطلوب گردش پول و وجود نقدینگی در بیت المال ساختاری تحت عنوان زکات را طراحی نموده است. ملاک و معیار پرداخت این حق مالی در نظام اقتصادی اسلام، درآمد و ثروتی است که از طریق حلال و شرعی کسب شده و خارج کردن زکات موجب برکت و طهارت در مال از خبث و پلیدی و تولید ثروتی حلال از طریق ایجاد رابطه در معاملات میان مردم می گردد و این گونه است که رضایت الهی را در پی دارد. خداوند متعال می فرماید:

وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاً لِيَرْبُوهَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ؛ (الروم، ۳۹)

آنچه به عنوان ربا می پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت؛ و آنچه را به عنوان زکات می پردازید و تنها رضای خدا را می طلبید (مایه برکت است؛ و کسانی که چنین می کنند دارای پاداش مضاعفند.

مراد از ربا همان ربای حرام، و مراد از زکات همان زکات واجب است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۷۷/۱۶) امام محمد باقر(ع) نیز درباره رابطه زکات و روزی می‌فرماید:

وَ الزَّكَاةُ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؛ (مجلسی، چاپ مکرر: ۱۸۳/۷۵)

زکات موجب افزایش روزی است.

بنابراین کسب رضایت الهی فضیلتی است که با عمل به آموزه فقهی زکات نیز می‌تواند حاصل گردد.

### پذیرش احسان

یکی از عوامل پیشرفت اسلام و قوام آن، حقوقی است که توسط شارع مقدس پیش‌بینی و بر اساس آن مقرراتی وضع شده است تا حاکم جامعه اسلامی بتواند از آن طریق به اصلاحات اجتماعی مورد نظر در جهت هموار نمودن مسیر مسلمانان برای دستیابی به حیات طیبه نائل آید. بنابراین حیاء و احساس شرمساری جهت اجرای این حق اجتماعی خللی در رسیدن به این اهداف خواهد بود. امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید:

تَارِكُ الزَّكَاةِ وَ قَدْ وَجِبَتْ لَهُ كَمَا نَعِيهَا وَ قَدْ وَجِبَتْ عَلَيْهِ؛ (صدوق، ۱۴۰۶ق: ۲۳۶)

کسی که گرفتن زکات (به خاطر نیاز شدیدی که دارد) برای او واجب است، ولی از گرفتن آن خودداری می‌کند، به منزله کسی است که از پرداخت زکات واجب سر باز می‌زند.

بر این اساس هر انسانی موظف است، جهت تکمیل برنامه تکاملی بشر در سایه قرب الهی و با علاقه و افتخار، به مسئولیت و وظیفه خود آگاهی داشته و بر اساس آن ایفای نقش نماید. بنابراین همان گونه که غنی موظف به پرداخت زکات است؛ مستحقین دریافت زکات نیز، مکلف به پذیرش این احسان هستند. و این بیانگر نیازمندی فقیر و غنی در نظام اخلاقی اسلام به یکدیگر است.

## حفظ حرمت ثروت

ثروت و اموال، باید به عنوان ابزاری برای اقامه اهداف متعالی در نظر گرفته شود. بنابراین اگر ثروت، به دلایلی مانند ثروت‌اندوزی اغنیاء و راکد ماندن اموال در دست آنان، منجر به پیاده‌سازی برنامه تربیتی دین نشود، حرمت آن مال شکسته خواهد شد و همان‌گونه که از امام صادق(ع) نقل شده است که رسول خدا(ص) فرمودند:

ملعون ملعون مال لا یزکی؛ (صابری یزدی و همکاران، ۱۳۷۵ش: ۳۱۹)

مالی که زکات آن پرداخت نشود، ملعون است؛ ملعون است.

بنابراین یکی از حقوق اخلاقی مال و ثروت، این است که حرمتش حفظ گردد؛ و این امر میسر نمی‌گردد جز این که از راه مشروع کسب و در راه صحیح استفاده شود؛ و زکات به عنوان یکی از راههای استفاده از مال و خرج کردن آن در راه صحیح است.

## توجه به رشد اخلاقی خانواده

نهاد خانواده، کارکردهای بسیاری دارد. در ساختار جامعه اسلامی، خانواده به عنوان مکانی برای تأمین حمایت‌های روانی، اجتماعی، ایمانی و ... به شمار می‌آید. توجه به رشد اخلاقی اعضای خانواده، از جمله قواعد حاکم بر نهاد خانواده می‌باشد. خداوند متعال در این خصوص می‌فرماید:

وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا؛ (مریم، ۵۵)

او همواره خانواده اش را به نماز و (پرداخت) زکات فرمان می‌داد؛ و همواره مورد رضایت پروردگارش بود.

امر به اقامه نماز و برقراری پیوند و رابطه با خالق، همچنین فرمان به پرداخت زکات و مرتبط با خلق خدا بودن و نیز انجام اعمالی که موجبات خشنودی

خداوند را فراهم نماید، از جمله صفات پیامبر بزرگ الهی است. خداوند متعال در این آیه علاوه بر تکیه بر وفای به عهد، و توجه به تربیت اعضای خانواده، به اهمیت فوق العاده این دو وظیفه الهی اشاره می نماید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ۱۳/۹۵)

بنابراین رشد اخلاقی خانواده با عمل به تکالیف فقهی و عمل به تکالیف فقهی در توجه به اخلاق در خانواده است.

### رسیدن به آرامش

از جمله برنامه‌های تربیتی اسلام، به انجام منظم عبادات می توان اشاره نمود که می تواند روشی مناسب برای پرورش شخصیت انسان بوده و زمینه ساز رساندن انسان به شرایط پایدار روحی و روانی باشد. عباداتی مانند زکات، نقش بسزایی در آرامش انسان دارد و خداوند متعال در این باره می فرماید:

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ (التوبه، ۱۰۳)

از اموال آنها صدقه‌ای (بعنوان زکات) بگیر، تا بوسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی! و (به هنگام گرفتن زکات،) به آنها دعا کن؛ که دعای تو، مایه آرامش آنهاست؛ و خداوند شنوا و داناست!

در جمله «إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» کلمه «سکن» به معنای چیزی است که دل را راحتی و آرامش بخشد، و منظور این است که نفوس ایشان به دعای تو سکونت و آرامش می یابد، و این خود نوعی تشکر از مساعی ایشان است، هم چنان که جمله «وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» مایه آرامشی است که دل‌های مکلفینی که این آیه را می شنوند و یا می خوانند بوسیله آن سکونت می یابد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۵۱۲/۹)

و از این روست که این تشکر و نتیجه اش که آرامش است، از فضیلت هایی است که در پیوند فقه و اخلاق رخ می دهد.

## حسن ظن

حسن ظن؛ آن است که بندگان به وعده های الهی امیدوار باشند؛ به سوی او رغبت نمایند؛ و عامل به تکالیف الهی باشند. زکات؛ یکی از آن دسته از تکالیف است که وعده های الهی در مورد آن در قرآن و روایت وارد شده است. امام صادق(ع) می فرماید:

الْقَرْضُ الْوَاحِدُ بِثَمَانِيَةِ عَشَرَ وَ إِنْ مَاتَ اخْتُسِبَ بِهَا مِنَ الزَّكَاةِ؛ (صدوق، ۱۴۰۶:ق: ۱۳۸)

ثواب قرض هجده برابر است، و چنانچه قرض گیرنده بمیرد، آن مال جزو زکات حساب می شود.

و این گونه است که با بیمه شدن اموال همان گونه که حضرت علی(ع) در مورد حفظ ذخایر فرمودند:

خَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴:ق: ۲۲۱)

اموال را با زکات بیمه کنید.

بنابراین حسن ظن، به سبب وعده ها و امید به تحقق آن بر زندگی مؤمنین سایه می افکند و این گونه است که فضیلت اخلاقی حسن ظن، مسلمان را به انجام تکلیف فقهی، تشویق می نماید.

## نتیجه گیری

انجام عمل صالح، سختی های خود را به همراه دارد؛ و یکی از راههای آسان نمودن انجام تکالیف فقهی، همراهی آن با فضیلت های اخلاقی است. در این مقاله، برای نسبت سنجی رابطه میان فقه و اخلاق، آموزه فقهی زکات را مورد بررسی اخلاقی قرار داده و برای این مهم، با استناد به آیات قرآن کریم و روایات معصومین(علیهم السّلام) دریافت شد که مبتنی بر مبانی پرداخت زکات، فضیلت هایی اخلاقی مانند عدالت، تقویت تعلق به ساختار ولایی، خدمت رسانی به مردم، دعوت به انجام خیرات، آسان گیری در انجام تکلیف، داروی رذایل اخلاقی،

اهتمام به امور مساکین، تبلور انصاف، حمایت در سایه عزت، انفاق به مستحقین، دعوت به نظم در انجام امور، همیاری آشنایان، کسب رضایت الهی، پذیرش احسان، حفظ حرمت ثروت، توجه به رشد اخلاقی خانواده، رسیدن به آرامش و حسن ظن، در باطن زکات وجود دارد.

از این روست که جامعه‌ای که در آن، مردمانی سیر و مردمانی گرسنه باشند، جامعه‌ای اخلاقی به شمار نمی‌آید و تداوم این سبک زندگی، منجر به نابودی آن جامعه خواهد شد. از آن جایی که نظرگاه اسلام درباره اموال، این است که مسلمانان، قسمتی از این اموال را برای گذران زندگی شرافت‌مندانه و اعتدالی خود و خانواده‌شان مصرف نمایند و بخشی دیگر را برای رفع احتیاجات افراد نیازمند، در نظر بگیرند؛ و این همان فقه معطر به نام بلند اخلاق است. بنابراین فقه و اخلاق در همراهی با یکدیگر سبب رسیدن انسان به سعادت و قرب الهی نقش آفرین خواهند بود.

## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن شعبه حرانی، ابو محمد الحسن بن علی، **تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه وآله وسلم)**، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، **مناقب آل ابی طالب علیهم السلام**، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۴. انصاری، مرتضی، **کتاب الزکاة**، محقق: گروه پژوهش در کنگره، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۵. پاینده، ابو القاسم، **نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم)**، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش.
۶. جوادی، محسن، **چشم اندازی به اخلاق در قرآن**، نقد و نظر، سال ۴، ش ۱، ۲، (زمستان ۱۳۷۶، بهار ۱۳۷۷)
۷. حق شناس و دیگران، **فرهنگ معاصر هزاره**، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۴ش.



۸. حکیمی، محمد وهم کاران، *الحیاء*، مترجم: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۹. خرمشاهی، بهاء الدین و انصاری، مسعود، *پیام پیامبر*، تهران: منفرد، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، *نعت نامه*، زیر نظر دکتر معین و دکتر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۱۱. دیلمی، شیخ حسن، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم: شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۲. شیخ مفید، ابو عبد الله، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، *امالی*، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۱۳. صابری یزدی، علی رضا و محمدرضا انصاری محلاتی، *الحکم الزاهرة*، مترجم: انصاری، قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
۱۴. صدوق، محمد بن علی (ابن بابویه)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: دار الرضی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۱۵. صدوق، محمد بن علی (ابن بابویه)، *معانی الأخبار*، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۱۶. صدوق، محمد بن علی (ابن بابویه)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، *سنن النبی صلی الله علیه وآله*، مترجم: محمد هادی فقهی، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، چاپ هفتم، ۱۳۷۸ش.
۱۹. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۰. طوسی، خواجه نصیرالدین، *اخلاق ناصری*، تصحیح: مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۶ش.
۲۱. عاملی، زین العابدین و کاظمی خلخالی، *الجواهر السنیة - کلیات حدیث قدسی*،

- تهران: انتشارات دهقان، چاپ سوم، ۱۳۸۰ش.
۲۲. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، **الوافی**، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، **گزیده کافی**، مترجم: بهودی، محمد باقر، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۳ش.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ مکرر.
۲۵. مصباح یزدی، مجتبی، **بنیاد اخلاق، روشی نو در آموزش فلسفه**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴ش.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۲۷. موسوی خمینی، سید روح الله، **تحریر الوسیلة**، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.

# **Proportionality of the relationship between jurisprudence and ethics with emphasis on the teaching of zakat in verses and hadiths**

**Maasomeh Alsadat Hosseini Mirsafi**

Assistant Professor, Department of Theology, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

mirsafi@azad.ac.ir

## **Abstract**

The religion of Islam, with its teachings in the fields of beliefs, jurisprudence, and ethics, has determined the growth and happiness of man. The compatibility between these teachings has provided a basis for human education. Therefore, in the connection between ethics and jurisprudence, a suitable basis for the implementation of jurisprudential duties with a moral foundation is provided for Muslims. In this article, the author aims to answer the question, "What is the relationship between jurisprudence and ethics with an emphasis on the doctrine of zakat?" using the verses and traditions of the innocents (peace be upon them), he explained this relationship with the centrality of zakat. The findings of this research are expressed on two levels, the foundations and moral virtues of the teaching of zakat. In terms of purpose, this research is applied research and in terms of data collection, it is a qualitative research based on library resources. In terms of the research method, it is descriptive and analytical.

**Keywords:** proportionality, relationship, jurisprudence, ethics, zakat